

چالش‌های فراروی فرهنگ و سیاست گذاری فرهنگی در جهانی شدن علی رشیدپور^۱

چکیده:

این تحقیق با هدف شناسایی چالش‌های فرهنگی فراروی جهانی شدن در حوزه فرهنگ طراحی و به انجام رسیده است. تحقیق به صورت توصیفی، پیمایشی انجام شده است، ابتدا با بررسی کامل و دقیق متون و تحقیقات انجام شده به صورت کتابخانه‌ای چالش‌های جهانی شدن در حوزه بنیادین فرهنگ در ۲ بعد، ۵ مولفه و ۱۹ شاخص در قالب یک پرسشنامه تدوین گردیدند. روایی محتوایی پرسشنامه مذکور با نظر اساتید و متخصصان بررسی گردید و پایایی آن نیز از روش آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۴ محاسبه شد و سپس با هماهنگی معاونت پژوهشی مرکز ملی جهانی شدن بین محققان و کارشناسان مرتبط با حوزه فرهنگ و جهانی شدن توزیع گردید که تعداد ۲۲ نفر بودند. داده‌های گردآوری شده از طریق آماره میانگین و آزمون T تجزیه و تحلیل گردیدند. نتایج حاصل حاکی از آن است که هر دو بعد، ۵ مولفه و ۱۹ گویه (شاخص) مورد بررسی هم در شرایط فعلی جمهوری اسلامی ایران و هم بر اساس ویژگی‌ها و مختصات جهانی شدن حائز اهمیت هستند و در مجموع میزان اهمیت آن‌ها از متوسط به بالا می‌باشد. نتایج آزمون T در مورد ۵ مولفه مورد بررسی نشان می‌دهد که مولفه‌های وضعیت فرهنگی با $(p=0/000)$ و ویژگی‌های سیاست گذاری فرهنگی با $(p=0/009)$ تفاوت معناداری را نشان می‌دهند و به احتمال زیاد

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

چالش‌هایی را ایجاد خواهند نمود و در مولفه‌های مفهوم فرهنگ ($p=0/286$) و سیاست فرهنگی ($p=0/367$) و حدود سیاست‌گذاری با ($p=0/571$) تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهند.

کلید واژه‌ها: جهانی شدن، فرهنگ، سیاست‌گذاری فرهنگی، تبادل و تهاجم فرهنگی

مقدمه:

اریش فروم^۱ می‌گوید: تاریخ بشر گورستان فرهنگ‌های بزرگی است که پایان فاجعه‌آمیز آن‌ها بدان سبب است که نتوانستند در برابر چالش، واکنش برنامه‌ریزی شده، بخردانه و ارادی بروز دهند (فروم، ۱۹۶۸: ۶۲). فرهنگ عبارت است از نرم‌افزار ذهنی انسان که در طول زمان و در بستر جامعه‌ای که در آن زندگی کرده شکل گرفته و تمامی رفتارهای او را نظم می‌بخشد. برخی مردم‌شناسان فرهنگ را به عنوان الگوی معناهای نهفته در نمادها، که به صورت تاریخی انتقال یافته است و یا نظامی از برداشته‌های به ارث برده شده که به شکل نمادین بیان گردیده‌اند تعریف کرده‌اند. براین اساس فرهنگ نه تنها به ما کمک می‌کند که تعریفی از خود و هویت‌مان ارائه دهیم، بلکه وسیله‌ای است که از طریق آن شناخت خویش از زندگی و نگرش‌های مرتبط را مبادله می‌کنیم و آن را تداوم و توسعه می‌بخشیم. برخلاف تصور جهانی شدن فرهنگ، به معنای گرایش روزافزون به سوی یک فرهنگ واحد و یکپارچه جهانی نیست و در واقع نمی‌توان همگونی فرهنگی و همانندسازی فرهنگ غرب را به عنوان جهانی شدن فرهنگ نامید؛ بلکه استدلال جهانی شدن فرهنگی اساساً به این معناست که «امروزه به واسطه رسانه‌های ارتباط جمعی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی و جریان مهاجرت انسان‌ها و گسترش توریسم و ظهور «فرهنگ‌های سوم» نهادهای اجتماعی و فرهنگی بشری نوعی به هم پیوستگی فرهنگی فزاینده را در سراسر جهان به وجود آورده است» (نش، ۱۳۸۵: ۷۶).

جهانی شدن فرهنگی، نظام معنایی جوامع را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و هویت

را به مفهومی نسبی تبدیل می‌کند یا به تعبیر والرشتاین در فرآیند جهانی شدن، جهان نو بنیادی در حال شکل‌گیری است که در خصوص هویت سخت مردد است، به عبارت دیگر ثبات نسبی که از رهگذر نگرش ملی در قرن بیستم پدید آمده بود در پرتو ادعای هویت جهانی تا حدودی رنگ باخته و تصمیم‌گیری در این زمینه را با مشکل مواجه ساخته است. بدین معنا که منابع هویت‌سازی ملی جای خود را به منابع هویت‌ساز جهانی سپرده است (افتخاری، ۱۳۸۰).

جهانی شدن بر خلاف تأثیرات منفی و پیامدهای ناگواری که بر فرهنگ‌های دیگر دارد، آثار مثبتی نیز می‌تواند بر فرهنگ‌ها داشته باشد: برخی از آثار مثبت جهانی شدن بر فرهنگ‌ها عبارتند از: تسریع تحرک اجتماعی، تقویت و رشد دانش بشری، افزایش ارتباطات و امکان‌های فزاینده تبادل اطلاعات و دیدگاه‌ها، درک بهتر و تعامل متقابل فرهنگ‌ها از یکدیگر، به وجود آمدن منظومه‌ای از نظام‌های ارزش مشترک و کسب هویت جدید جهانی (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۳).

بیان مسئله

اگر چه مفهوم مشخص و مورد توافق نسبت به جهانی شدن وجود ندارد ولی از مجموعه نظریه‌ها فهمیده می‌شود که جهانی شدن به عنوان یک واقعیت وجود دارد (بارتلسون، ۲۰۰۲). و به علاوه جهانی شدن از مفاهیم و اصولی است که کمتر حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را می‌توان یافت که از این مسأله تأثیر نپذیرفته باشد به ویژه که با آغاز هزاره سوم میلادی جهان دچار تغییرات بنیادین شده است و شاهد موج جدیدی از این فرآیند می‌باشد. پدیده جهانی شدن همه بخش‌های زندگی جوامع بشری را در بر گرفته و تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و به نظر می‌رسد هیچ راه‌گریز و چاره‌ای از عدم مواجهه با آن وجود ندارد و این مقوله در حوزه فرهنگ هم خواه ناخواه رخ خواهد داد. جهانی شدن فرهنگی را می‌توان دربرگیرنده‌ی فرآیندها و عواملی دانست که هرگونه محدودیت فرهنگی در زندگی اجتماعی را تعدیل می‌کند یا از میان بر می‌دارد» (گل محمدی، ۱۳۸۶). در این فرآیند به طور طبیعی فرهنگ و اجزاء آن دچار چالش‌های شدیدی خواهند شد. چنانچه فرهنگی اقدامات موثری را

در راستای شناسایی چالش‌های مذکور انجام ندهد و برنامه‌ریزی دقیق، عملی و مناسبی را برای مواجهه با آن چالش‌ها انجام نداشته باشد به حتم با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد شد که حتی امکان دارد مهر اختتامی بر ماهیت و موجودیت آن فرهنگ باشد. لذا شناسایی چالش‌های فرهنگی برای هر جامعه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران به منظور طراحی علمی برای مواجهه و تبدیل به فرصت نمودن تهدیدات ضروری می‌باشد.

پدیده جهانی شدن به هر شکلی که تعریف شود از این واقعیت غیر قابل انکار ناشی شده است که گسترش ارتباطات و کوچک شدن ابعاد مکانی و زمانی منجر به جهانی شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ شده و یا خواهد شد. در این خصوص که ماهیت جهانی شدن چیست و در آینده جوامع به چه شکلی خواهند بود و این که اصولاً جهانی شدن یک فرآیند اجتناب‌ناپذیر می‌باشد یا پروسه‌ای برنامه‌ریزی شده توسط نظام نوین سرمایه‌داری است اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. اما یک واقعیت غیرقابل انکار وجود دارد و آن این که با تحول سریع و گسترش غیر قابل تصور رسانه‌ها، فرهنگ‌های بومی و ملی دچار چالش شده‌اند و به تعبیر کوهن و کندی^۱ (۲۰۰۵) تغییر روابط زمان، مکان و فرهنگ‌ها منشأ ظهور زمینه اجتماعی جدیدی شده است که مستلزم جامعه‌شناسی جهانی جدید است. در واقع جامعه نسبتاً محلی و بسته گذشته، تبدیل به یک جامعه فرامحلی، جهانی یا محلی-جهانی شده است که از همه گذشته تاریخ سریع‌تر با فرهنگ‌ها و جوامع دور ارتباط برقرار می‌کند.

حال سوالی اساسی که در این جا مطرح می‌باشد، این است که آیا اصولاً کشور و جامعه ایران می‌تواند خود را از زمینه اجتماعی جدید جدا ساخته و به شکل قدیم به حیات خود ادامه دهد؟ جواب این سوال بدون کم‌ترین تأملی خیر خواهد بود. حال سوال بعدی این است که در مواجهه با روند جدید (جهانی شدن) فرهنگ محلی قطعاً دچار چالش‌های می‌شود، این چالش‌ها کدامند؟ و چه تأثیری بر روند جهانی شدن بر جای می‌گذارند؟ و اصولاً چالش‌های مذکور چه تهدیدها و فرصت‌هایی برای جامعه ایجاد می‌نمایند؟ برای پاسخ‌گویی به این سوالات و سوالات دیگری از این قبیل ابتدا بایستی چالش‌های مذکور شناسایی گردند و

سپس برای استفاده بهینه از آن‌ها در راستای رشد و تعالی جامعه و فرهنگ ملی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیقی انجام پذیرد. با توجه به مطالعات و بررسی انجام گرفته به نظر می‌رسد شرایط و ویژگی‌ها و سیاست‌گذاری فرهنگ در جامعه از عمده‌ترین مواردی هستند که در روند جهانی شدن چالش ایجاد نموده یا دچار چالش گردند، که در این خصوص در این تحقیق به بررسی نقش مفهوم و ویژگی‌های و سیاست‌گذاری فرهنگی به طور خاص پرداخته شده است.

فرهنگ و جهانی شدن

در خصوص مفهوم و ویژگی‌ها و سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه کنونی ایران چندین مورد حائز اهمیت از قبیل: نداشتن تعریف دقیق از مفهوم فرهنگ و سیاست فرهنگی، وضعیت فعلی فرهنگ ملی و نقاط قوت و ضعف آن در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها چه به صورت تبادل فرهنگی و یا تهاجم فرهنگی در پروسه جهانی شدن چالش‌هایی را ایجاد خواهند نمود که در زیر به آن‌ها اشاره خواهد شد. از فرهنگ تعاریف متعددی ارائه شده است که هر کدام از این تعاریف از منظر خاصی به فرهنگ نگریسته‌اند و به علاوه تعاریف موجود نشأت گرفته از پیشینه فرهنگی و مذهبی ارائه‌دهندگان تعاریف می‌باشد و به نوعی منعکس‌کننده دیدگاه اعضای جوامع مربوطه به انسان و ماهیت زندگی وی می‌باشد. اما آن‌چه در جامعه ایران قابل تأمل است تعریف دقیقی از فرهنگ ارائه نگردیده است. هر چند افراد مختلف بعضاً به این موضوع پرداخته و نظراتی را هم مطرح کرده‌اند ولی هنوز اجماعی در خصوص مفهوم فرهنگ در کشور صورت نگرفته است. به علاوه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۸ تعریفی از فرهنگ ارائه گردیده و فرهنگ را این چنین توصیف می‌نماید: «فرهنگ به معنای اعم آن، بینش و منش هویت‌دهنده انسان در حوزه زندگی اجتماعی است که به عنوان فرآورده عالی ذهن و فرآیند پیچیده و پیشرفته فکر آدمی تحت تأثیر علل و عوامل موجد درونی و بیرونی در تمامی کارکردها و کلیه مظاهر مادی و معنوی حیات وی تجلی می‌یابد و کلیت هم‌تافته و به هم پیوسته‌ای از باورها، فضایل و ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها و فنون، آداب و اعمال جامعه را شامل شده و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی هر ملت است.» تعریف ارائه شده تقریباً مشابه به تعاریف مردم‌شناختی

از فرهنگ می‌باشد و با توجه به وظیفه سیاست‌گذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی به نظر می‌رسد این تعریف کاربرد چندانی برای شورا نداشته باشد. در ضمن سیاست فرهنگی نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود (مجبی، ۱۳۸۶: ۷۷). سیاست فرهنگی مجموعه ارزش‌ها، باورها و راهبردهایی است که کنش‌ها و عملکرد افراد یا گروه‌های اجتماعی را هدایت می‌کند یا بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این ارزش‌ها و باورها که راهنما، هدایت‌کننده و تأثیرگذار بر عملکرد یک گروه، یک مجموعه و یا یک ملت است به دو بخش تقسیم می‌شود: یک بخش، آن‌هایی است که توسط دولت بیان و مدون می‌شود و معمولاً به صورت قانون اساسی، برنامه‌های توسعه و غیره است. بخش دوم راهبردهایی است که افراد، گروه‌ها و ملت‌ها بدون تدوین یا قانون رسمی کردن آن برای تحقق هدف‌ها و منافع خود به کار می‌گیرند (محسنی، ۱۳۸۶). محورهای سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در امور فرهنگی که در مورخه ۱۳۸۲/۱۲/۸ در راستای سند چشم‌انداز به تصویب رسیده به شرح زیر هستند:

- ۱- تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی، تبیین مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی؛

- ۲- ایجاد جامعه‌ای سالم، اخلاقی، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، فرهنگ‌مدار و شهروندانی آگاه، عزت‌مند و برخوردار از ملاک‌های درست کاری و احساس رضایتمندی؛

- ۳- رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به عنوان عناصر هویت ملی؛
- ۴- پیشبرد راهبرد گفت‌وگوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- ۵- ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و تقویت نهاد خانواده؛

- ۶- نهادسازی در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق و افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان و گسترش و تعمیق نهضت نرم‌افزاری و تأکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری؛

۷- توسعه علوم و فناوری‌های جدید شامل: فناوری زیستی، ریزفناوری، فناوری فرهنگی، فناوری زیست‌محیطی و فناوری مواد جدید؛

۸- توسعه ارتباطات و زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات، متناسب با پیشرفت‌های جهانی.

به نظر می‌رسد که اغلب این سیاست‌ها با آن‌چه که مطلوب جهانی شدن است تفاوت‌هایی داشته باشند. لذا طبیعی است که در مواجهه با جهانی شدن دچار چالش شوند. با بررسی اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تغییرات و اصلاحاتی که در آن‌ها صورت گرفته است و هم‌چنین براساس آن‌چه در عمل اتفاق افتاده است می‌توان نتیجه گرفت که دیگر دولت بهترین و تنها بازیگر عرصه فرهنگ محسوب نمی‌شود (وحید، ۱۳۸۱: ۱۵). بنابراین بایستی در تدوین سیاست‌های فرهنگی نیز به طور دقیق مدنظر قرار گرفته و لحاظ گردد.

وضعیت فرهنگ در راستای مواجهه با سایر فرهنگ‌ها نیز یک موضوع بسیار جدی و قابل تأمل می‌باشد. استعمارگران، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله‌ی درونی آن است (خرم، ۱۳۷۸: ۱۵). این عمل (جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی) به شکلی هوشیارانه که بتواند یک ملت و جامعه را نسبت به فرهنگ خود بیگانه، و مطیع‌گرایز بیگانگان کند، عمدتاً «تهاجم فرهنگی» محسوب می‌شود (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۰۱). در تعریف پدیده‌ی «تهاجم فرهنگی» دیدگاه رهبر معظم انقلاب، قابل توجه است. از نظر ایشان در «تهاجم فرهنگی» یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی، برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم، باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳: ۳).

اما تبادل فرهنگی ملت‌ها در طول تاریخ به شکلی طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و تعالی مستمر فرهنگ‌ها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی بشر امری بسیار ضروری است و جامعه انسانی را در ارتقای ارزش‌ها و پیمودن مسیر سعادت واقعی به پیش می‌برد. این جریان فرهنگی دو سویه است و

هنگام قوت و توانایی ملت‌ها صورت می‌گیرد. در این روند، ملت‌ها با هدف ترویج ارزش‌های بشری، به تبلیغ ایده‌آل‌ها و معیارهای خود می‌پردازند و نیز عناصر و مفاهیم برجسته‌ی فرهنگ‌های دیگر را وام می‌گیرند (خرم، ۱۳۷۸: ۱۵).

بنابراین، اساساً تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی در دو جهت مخالف قرار دارند. تبادل فرهنگی، فرآیندی متقابل و طبیعی است و با رضایت طرفین صورت می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی یک طرفه، غیرداوطلبانه و سلطه‌گرانه است و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارد (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳: ۱۹). در مجموع می‌توان گفت که در تبادل فرهنگی سه اصل گزینش، تحلیل و جذب و اصل تولید فرهنگی، مدنظر متولیان فرهنگی یک جامعه است و این افراد برای زنده و پویا نگه داشتن فرهنگ خودی، عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و عناصر مثبت آن را گزینش و پس از تحلیل و تعیین تناسب آن با فرهنگ بومی، آن را جذب می‌کنند و به شکل عنصری از فرهنگ خودی درمی‌آورند (فیاض، ۱۳۷۲: ۴۲؛ افتخاری، ۱۳۷۷: ۷۰).

«در طرح تاریخی غربی شدن عالم، مسأله صرفاً این نبوده است که فرهنگ‌های غیر غربی جای خود را به فرهنگ غربی بدهند، بلکه مسأله این بوده است که هر جا و هر قوم که غربی نشود، ناچیز است» (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۸۳).

با توجه به مطالب مذکور، شیوه مواجهه با پدیده‌ی جهانی شدن در جوامع مختلف و در خصوص مقوله تبادل و تهاجم فرهنگی که حاکی از وضعیت فرهنگ جوامع می‌باشد نیز قابل تامل است. برخی جوامع احساس خطر شدید نموده و تقابل را بر می‌گزینند و سایر جوامع روش‌های منعطف‌تری را در این مورد اتخاذ می‌نمایند.

سیاست‌گذاری فرهنگی و جهانی شدن

سیاست فرهنگی شامل همه‌ی اقدام‌هایی است که از سوی دولت، نهادهای خصوصی و اتحادیه‌های اجتماعی برای سمت‌دهی توسعه نمادین، برآوردن نیازهای فرهنگی در مردم و دست‌یابی به توافقی درباره شکلی از نظم یا دگرگونی اجتماعی، انجام می‌شود (کانکلینی، ۱۳۷۹: ۲۴۹). به عبارت ساده‌تر، سیاست فرهنگی شامل اصول مکتوب و غیرمکتوبی است که از سوی برنامه‌ریزان برای

ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه‌های مختلف فرهنگی تدوین می‌شود و توسط مدیران به اجرا در می‌آید. البته گفتنی است که سیاست فرهنگی، در این معنا بیشتر به مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی نزدیک است. لذا باید بین سیاست فرهنگ به همین معنا و سیاست فرهنگی به معنای هرگونه قدرت نام‌گذاری و قدرت بازنمایی جهان اجتماعی با توجه به مقوله‌هایی چون: طبقه، جنسیت، نژاد و شهروندی و قدرت به وجود آوردن نسخه‌های رسمی که در راستای باز تولید یا نقد جهان اجتماعی باشد (بارکر، ۲۰۰۳: ۴۰۴)، تفاوت قائل شد. سیاست فرهنگی در معنای دوم متمرکز بر بازنمایی‌ها و اعمالی است که نقشه‌های فرهنگی ما از معانی را به وجود می‌آورند و این معانی به نوبه خودشان روابط خاصی از قدرت را تولید و یا تخریب می‌نمایند (معدفر، ۱۳۸۶: ۱۸۸). در حالی که در معنای اول همان‌گونه که در اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۷۱ نیز آمده است: سیاست فرهنگی در حقیقت همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم‌الرعایه در حرکت فرهنگی است. سیاست فرهنگی کشورها در چارچوب مرزهای ملی با تأکید بر عناصر فرهنگی - ملی توسط دولت‌ها اجرا می‌شود و جهانی شدن هر سه آن‌ها (چارچوب ملی، عناصر فرهنگی ملی و دولت) را به چالش می‌کشد. جهانی شدن بر محتوا و اصول سیاست فرهنگی کشورها نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. برخی از آنها را غیرمفید و حتی غیر قابل اجرا یا به چیزی بی‌فایده تبدیل می‌کند. تأثیرات جهانی شدن بر سیاست فرهنگی کشورها متنوع و پیچیده است. در مجموع می‌توان این تأثیرات را در چند مورد خلاصه کرد:

- جهانی شدن سیاست فرهنگی کشورها را به سمت نوعی همگونی (و نه یک‌گونی) سوق می‌دهد. اگرچه تفاوت‌های ملی و محلی آن‌ها را نیز برجسته و از نو تثبیت می‌کند.

- جایگاه و نقش تقریباً انحصاری دولت‌ها در سیاست فرهنگی کشورها با چالش جدی مواجه شده است. سیاست فرهنگی قبلاً در داخل قلمرو ملی قرار داشت و نقش مهم دولت را به رسمیت می‌شناخت ولی اکنون به عقیده

صاحب نظران دیگر نمی توان به سیاست های فرهنگی به عنوان یک حق انحصاری که به وسیله حکومت های ملی تحقق می یابد نگاه کرد (کانکلینی، ۱۳۷۹: ۲۷۵).

- سیاست فرهنگی کشورها به سمت سیاست مبتنی بر تنوع فرهنگی و توجه و تأکید بر امور محلی و قومیت ها تغییر جهت داده و خواهد داد. بر این اساس با چرخش سیاست های فرهنگی مبتنی بر عناصر ملی به سمت سیاست فرهنگی مبتنی بر عناصر متنوع محلی و قومی مواجه بوده و خواهیم بود.

- بر اثر فرآیند جهانی شدن، به واسطه گسترش وسایل اطلاعاتی و رسانه ای مدرن و گسترش تبادل فرهنگی، تعقیب سیاست فرهنگی در قلمرو ملی نه میسر است و نه مطلوب. سیاست فرهنگی کشورها در حال حاضر تا حدود زیادی در گستره ی فراملی و جهانی تعریف می شوند (کانکلینی، ۱۳۷۹: ۲۶۲).

- تغییر دیگر در سیاست فرهنگی کشورها بر اثر فرآیند جهانی شدن، توجه به چیزی است که آن را «اختلاط فرهنگی» و یا «تلفیق فرهنگی» می نامند. در حال حاضر سیاست فرهنگی کشورها نه تنها باید بر عناصر فرهنگی ملی و محلی خود تأکید کند و آن ها را در سطح فراملی معرفی و عرضه نماید، بلکه باید آمادگی پذیرش و جذب عناصر سایر فرهنگ ها را فراهم کند از این رو باید مشارکت جو و مشارک پذیر باشد.

- جهانی شدن بر حساسیت ها و تفاوت ملی تأثیر گذاشته و از آن می کاهد لذا تعقیب اصول مبتنی بر این حساسیت ها و برجسته کردن نشانه ها و وجوه تمایز فرهنگی دیگر در اولویت اصلی نخواهد بود. مصرف کنندگانی که می آموزند تا مخاطبان ناسرزمینی باشند. یعنی همان چیزی که رنا آرتیس^۱، مردم شناس برزیلی، آن را «یک فرهنگ توده ای بین المللی» می نامد. این اجتماعات بین المللی تماشاگر، از اهمیت تفاوت های ملی می کاهد. به خصوص نسل های جوان فعالیت های فرهنگی خود را با اطلاعات و شیوه های همگن شده ای همسان می کنند که جدا از بافت سیاسی یا مذهبی خود، از جوامع متفاوت می گیرند (کانکلینی، ۱۳۷۹: ۲۵۱).

- رسیدن به وحدت نمادی و کنترل فرهنگی از مهم ترین و شاید مهم ترین اهداف

سیاست‌های فرهنگی کشورها محسوب می‌گردید در حالی که جهانی شدن اکنون تحقق آن را اگر ناممکن نکرده باشد قطعاً در آن تشکیک ایجاد کرده است. دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین سیاست‌گذار فرهنگی دیگر نمی‌توانند مانند سابق تولید، توزیع و مصرف کالاها و محصولات فرهنگی را کنترل کنند (نش، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

- اقتصادی و تجاری شدن فعالیت‌های فرهنگی یکی از پیامدهای جهانی شدن محسوب می‌شود که اکنون در سیاست فرهنگی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. بدین معنا که در حال حاضر در سیاست فرهنگی کشورها به فعالیت‌های فرهنگی و تولیدات هنری به عنوان امری اقتصادی و تجاری نگریسته می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و رشد اقتصادی باشد (تراسبی، ۱۳۷۹: ۳۱۴).

روش تحقیق

تحقیق حاضر به شناسایی چالش‌های فرهنگی فراروی جهانی شدن در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. لذا تحقیق از لحاظ ماهیت یک تحقیق توصیفی و از حیث هدف جزء تحقیقات کاربردی است و از نظر شیوه‌ی اجرا به صورت پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه محققان و کارشناسان پژوهشی مرکز مطالعات ملی جهانی شدن، که در مجموع ۲۲ نفر بودند و با توجه به حجم کم جامعه و در دسترس بودن آن نمونه‌گیری ضرورت نداشت و همه‌ی اعضای جامعه مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است که دو وضعیت فعلی جامعه ایران و شرایط و ویژگی‌های خاص جهانی شدن را مورد بررسی قرار داده و روایی محتوایی آن از طریق مراجعه به نظر داوران و متخصصان تأیید گردید و هم‌چنین پائینی آن به روش آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۳۴ محاسبه گردید. داده‌های گردآوری شده به وسیله آماره توصیفی میانگین و به منظور تعیین و تأیید رابطه معنی‌دار بین متغیرهای مورد بررسی و هم‌چنین مقایسه میانگین نظرات اعضای جامعه آماری در شرایط فعلی جمهوری اسلامی ایران و شرایط و ویژگی‌های خاص جهانی شدن از آزمون t زوجی استفاده شده است.

الف) نتایج توصیفی ابعاد، مولفه‌ها و گویه‌ها در دو وضعیت مدنظر بر اساس آماره میانگین

در جدول زیر نتایج توصیفی ابعاد، مولفه‌ها و گویه‌ها در وضعیت فعلی ایران و مختصات و شرایط جهانی شدن بر اساس آماره میانگین ارائه شده است:
جدول ۱: نتایج توصیفی ابعاد، مولفه‌ها و گویه‌ها بر اساس میانگین

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها / متغیرها	شرایط فعلی جامعه ایران	مختصات و ویژگی‌های جهانی شدن	
شرایط و ویژگی‌های فرهنگ	مفهوم فرهنگ	ارزش‌ها و باورهای اعتقادی بایستی مبنای تعریف فرهنگ باشند.	۴	۳/۶۱	
		توجه به ارزش‌های ملی در تعریف فرهنگ حائز اهمیت است.	۳/۵	۳/۳۳	
	سیاست فرهنگی	ارزش‌ها و باورهای اعتقادی بایستی مبنای سیاست‌های فرهنگی باشند.		۳/۰۵	۳/۰۵
		توجه به ارزش‌های ملی در سیاست‌های فرهنگی حائز اهمیت است.		۳/۵۵	۳/۰۵
		نهاد خانواده مهم‌ترین رکن سیاست فرهنگی است.		۴/۰۵	۳/۰۵
		در سیاست فرهنگی بایستی تولید علم و خلاقیت و نوآوری لحاظ گردد.		۳/۸۶	۳/۷۳
	وضعیت فرهنگی	گفتگوی تمدن‌ها محوری اساسی از سیاست فرهنگی است.		۳/۵۹	۳/۸۶
		توسعه انواع فناوری‌ها بایستی جزء لاینفک سیاست فرهنگی باشد.		۳/۵	۳/۸۶
		توجه به توسعه ارتباطات و ریساختن آن‌ها مشابه یک سیاست فرهنگی خواهد است.		۳/۵	۳/۸۶
		مقایسه با نتایج همگونی یک اصل غیر قابل انکار است.		۴/۳۶	۳/۹۱
احساس خطر در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها امری عادی می‌باشد.		۳/۹۱	۳/۹۱	۳/۴۱	
سیاست- حزاری فرهنگی	ویژگی‌ها	سیاست فرهنگی بایستی اختلاط و تلفیق فرهنگی را در بر داشته باشد و متکی بر فرهنگ ملی و محلی نباشد.	۲/۴۸	۳/۵۴	
		سیاست فرهنگی بایستی حساسیت‌ها و تفاوت‌های ملی را کاهش دهد.	۳/۳۶	۳/۷۳	
		سیاست فرهنگی بایستی ایجاد کننده وحدت نفعی و کنترل‌کننده فرهنگ باشد.	۳/۰۵	۳/۲۷	
		سیاست فرهنگی اقتصادی و تجاری شدن فعالیت‌های فرهنگی را هدف قرار دهد.	۲/۴۸	۳/۴۱	
		سیاست فرهنگی بایستی همگونی فرهنگی را در بر داشته باشد تا یکدگرگونگی فرهنگی.	۳/۳۲	۳/۶	
حدود	حدود	سیاست فرهنگی بایستی دورگیرنده منافع ملی باشد.	۳/۶	۳/۹۵	
		سیاست فرهنگی بایستی دورگیرنده عناصر فرهنگ ملی باشد.	۳/۳۲	۳/۵	
		سیاست فرهنگی لازم است تقویت فرهنگ محلی و قومیت‌گرایی را در راستای فرهنگ ملی لحاظ نماید.	۳/۱۴	۳/۳۲	

همان‌طور که ملاحظه می‌شود هر دو بعد، ۵ مولفه و ۱۹ گویه (شاخص) مورد بررسی هم در شرایط فعلی جمهوری اسلامی ایران و هم بر اساس ویژگی‌ها و مختصات جهانی شدن حائز اهمیت هستند و در مجموع میزان اهمیت آن‌ها از متوسط به بالا می‌باشد.

بررسی و تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق

به منظور بررسی و شناسایی چالش‌های فرهنگی فراروی جهانی شدن در جمهوری اسلامی ایران، دو فرضیه اصلی تدوین گردیده و از طریق میانگین و انحراف معیار نظرات و هم‌چنین آزمون t مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در واقع، ابتدا از طریق میانگین پاسخ‌های ارائه شده، میزان هر یک از شاخص‌های فرهنگی مورد مطالعه تعیین شده و سپس بر اساس آزمون t (زوجی)، وجود (H_0) یا عدم وجود (H_1) رابطه معنی‌دار بین وضعیت فعلی جمهوری اسلامی ایران و شرایط و ویژگی‌های خاص جهانی شدن در خصوص ابعاد مذکور مشخص گردیده است.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین شرایط و ویژگی‌های فرهنگ موجود در جمهوری اسلامی ایران (مفهوم فرهنگ، سیاست‌های فرهنگی و وضعیت فرهنگی) با مختصات و ویژگی‌های جهانی شدن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. جدول ۲: بررسی و تجزیه و تحلیل فرضیه اول بر اساس آزمون t (زوجی)

یافته‌ها	وضعیت میانگین	انحراف معیار	تی زوجی	سطح معناداری	نتیجه
شرایط و ویژگی‌های فرهنگ	ش.ف.ایران	۰/۸۲۷	۱/۰۹۵	۰/۲۸۶	تفاوت معنادار نیست
	جهانی شدن	۳/۳۶	۱/۱۰۴		
سیاست فرهنگی	ش.ف.ایران	۰/۸۲۴	۰/۹۲۳	۰/۴۶۷	تفاوت معنادار نیست
	جهانی شدن	۴/۴۹	۰/۹۰۶		
وضعیت فرهنگی	ش.ف.ایران	۰/۸۰۴	۵/۵۷۲	۰/۰۰۰	تفاوت معنادار است
	جهانی شدن	۲/۶۶	۱/۰۸۴		

در این فرضیه سه مولفه اساسی حوزه فرهنگ مطرح گردیده‌اند. تحلیل داده‌ها در خصوص میانگین امتیازات مولفه‌های بعد شرایط و ویژگی‌های فرهنگ در شرایط فعلی جامعه ایران و شرایط و ویژگی‌های خاص جهانی شدن در مولفه‌ی وضعیت فرهنگی ($p=0/000$) تفاوت معناداری را نشان می‌دهد و در مولفه‌های مفهوم فرهنگ ($p=0/286$) و سیاست فرهنگی ($p=0/367$) تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. این نتیجه بیان می‌دارد که از بین ۳ مولفه بررسی شده در مواجهه با پدیده جهانی شدن، وضعیت فرهنگی حاکم بر فرهنگ اعضای جامعه از اساسی‌ترین عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر فرآیند جهانی شدن می‌باشد و چالش‌هایی را به وجود خواهد آورد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین مختصات سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (ویژگی‌ها و حدود) و مختصات و ویژگی‌های جهانی شدن تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳: بررسی و تجزیه و تحلیل فرضیه دوم بر اساس آزمون t (زوجی)

یافته‌ها	وضعیت	میانگین	انحراف معیار	تی زوجی	سطح معناداری	نتیجه
سیاست‌گذاری فرهنگی	ش.ف.ایران	۳/۰۲	۰/۷۸۸	-۲/۸۸۱	۰/۰۰۹	تفاوت
	جهانی شدن	۳/۵۲	۰/۶۰۴			معنادار است
حدود	ش.ف.ایران	۳/۳۵	۰/۱۴۸	۰/۵۷۶	۰/۵۷۱	تفاوت
						معنادار نیست

در این فرضیه ویژگی‌ها و حدود سیاست‌های فرهنگی مورد بررسی قرار داده شده‌اند. تحلیل داده‌ها در خصوص میانگین امتیازات مولفه‌های بعد سیاست‌گذاری فرهنگی در شرایط فعلی جامعه ایران و شرایط و ویژگی‌های خاص جهانی شدن در مولفه‌ی ویژگی‌ها ($p=0/009$) تفاوت معناداری را نشان می‌دهد و در مولفه‌ی حدود ($p=0/571$) تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. این نتیجه بیان

می‌دارد که از بین ۲ مولفه بررسی شده در مواجهه با پدیده‌ی جهانی شدن، ویژگی‌های سیاست‌گذاری فرهنگی جامعه چالش‌هایی را ایجاد می‌نماید.

■ نتیجه‌گیری:

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهند که هر دو وضعیت بر توجه به ارزش‌های ملی و مذهبی در ارائه تعریف و مفهوم فرهنگ تأکید می‌نمایند، ولی شدت این تأکید در وضعیت جهانی شدن بیشتر است. با توجه به این که تفاوت در این مورد بسیار معنی‌دار نمی‌باشد، در مواجهه دو وضعیت مذکور احتمال به وجود آمدن چالش بسیار پایین می‌باشد. اما کم توجهی به ارزش‌های ملی و مذهبی در ارائه تعریف فرهنگ برای کشور ایران که مدعی فرهنگ و تمدن غنی ایرانی-اسلامی می‌باشد، می‌تواند تبعات مخربی را در آینده برای جامعه به دنبال داشته باشد. در خصوص سیاست فرهنگی و خصائص آن باید اذعان نمود که در جمهوری اسلامی ایران مبنای سیاست‌گذاری فرهنگی توجه به ارزش‌های ملی-مذهبی، تحکیم بنیان نهاد خانواده و توجه خاص به حوزه‌ی خلاقیت و توسعه علوم می‌باشد، در وضعیت جهانی شدن این موارد با شدت کمتری لحاظ می‌شوند. گلشنی (۱۳۸۷) در تحقیقی تضعیف آداب و سنن، تهاجم فرهنگی را جزء تهدیدات جهانی شدن برای کشور بیان نموده است. در ضمن ایشان خلاقیت ایرانی را از نقاط قوت کشور در مواجهه با جهانی شدن برآورد نموده‌اند، به علاوه علم‌زدگی را از تهدیدات جدی کشور در این خصوص می‌دانند. اما بر گفتگوی تمدن‌ها، توسعه‌ی فناوری و توسعه‌ی ارتباطات تأکید بیشتری می‌شود. لازم به ذکر است که موارد مورد تأکید وضعیت جهانی شدن در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز کاملاً ملاحظه می‌شوند اما نسبت به موارد پیش گفته در اولویت بعدی قرار می‌گیرند. در مواجهه دو وضعیت مذکور احتمال به وجود آمدن چالش بسیار پایین می‌باشد، چون هر دو وضعیت موارد مذکور را در تدوین سیاست‌های فرهنگی حائز اهمیت می‌دانند و فقط شدت و ترتیب آن‌ها تا حدودی متفاوت است. در مورد وضعیت فرهنگی، که به مفهوم حالت یک فرهنگ در زمان مواجهه با سایر فرهنگ‌ها می‌باشد. دو شاخص اصلی مورد بررسی در این مورد؛

مقوله تهاجم فرهنگی و اصل احتیاط در برخورد با سایر فرهنگ‌ها هستند. این دو شاخص در جمهوری اسلامی ایران بسیار مورد تأکید می‌باشند و بایستی به آن‌ها توجه جدی نمود، اما در وضعیت جهانی شدن بسیار کم اهمیت انگاشته می‌شوند. البته این تفاوت بسیار فاحش است، لذا در مواجهه دو وضعیت مذکور احتمال به وجود آمدن چالش بسیار بالا می‌باشد. بنابراین برای مواجهه درست و منطقی و اثربخش پیشنهادهاتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- در خصوص شرایط و ویژگی‌های فرهنگ مقوله‌ی وضعیت فرهنگ و دغدغه حفظ آن بسیار اهمیت دارد لذا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی موثر در این زمینه، بسیار حائز اهمیت است.

- تهاجم فرهنگی و جنگ نرم به شدت جامعه ما را تهدید می‌نماید، به نظر می‌رسد پس از سالیانتمادی بحث و گفتگو در خصوص تهاجم فرهنگی و مباحث اخیر جنگ نرم هنوز هم ما در حوزه‌ی تئوری و نظری گرفتار شده‌ایم. لذا انجام پژوهش‌های همه‌جانبه و دقیق برای شناسایی و تعیین وجوه مشترک و تمایز دیدگاه‌های اسلامی- ایرانی با دیدگاه‌های مرسوم در خصوص جهانی شدن به منظور ایجاد مبانی قوی و قابل دفاع در برنامه‌ریزی و عملیات اجرایی در مواجهه با جهانی شدن الزامی است.

- انجام تحقیقات کاربردی دقیق به منظور فراهم آوردن خمیرمایه لازم برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در خصوص ارائه راهکارهای عملی دقیق ضروری است.

سیاست‌گذاری فرهنگی نیز در قالب دو مولفه ویژگی‌ها و حدود مطرح گردیده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهند که در مولفه ویژگی‌ها هر دو وضعیت بر گنجاندن مقوله‌هایی از قبیل در برگیرندگی اختلاط و تلفیق به جای تأکید بر فرهنگ ملی و محلی، کاهش حساسیت‌ها و تفاوت‌های ملی، عدم ایجاد وحدت نمادی و کنترل فرهنگ، تجاری شدن فعالیت‌های فرهنگی و همگونی فرهنگی در سیاست‌گذاری فرهنگی تأکید می‌نمایند. اما شدت وحدت این تأکید در وضعیت جهانی شدن بالاتر می‌باشد و تفاوت قابل ملاحظه‌ای با شرایط کنونی جمهوری اسلامی ایران دارد، لذا ایجاد چالش و نگرانی در مواجهه این دو وضعیت در این مورد دور از نظر نمی‌باشد. نصیری

(۱۳۸۸) توجه به خرده فرهنگ‌ها را در جهانی شدن با اهمیت می‌داند. گلشنی (۱۳۸۷) نیز کم‌توجهی به نیازهای ملی را از نقاط ضعف کشور در مواجهه با جهانی شدن بیان نموده است. بنابراین در مواجهه دو وضعیت مذکور احتمال به وجود آمدن چالش بسیار زیاد می‌باشد. مولفه دوم به حدود سیاست-گذاری فرهنگی پرداخته و سه محدودیت را برای سیاست‌گذاری فرهنگی القاء می‌نماید که عبارتند از: توجه به حفظ منافع ملی، به کارگیری و ملاحظه عناصر فرهنگ ملی و تقویت فرهنگ‌های محلی و قومیت‌گرایی در راستای تقویت فرهنگ ملی. هر دو وضعیت بر سه مقوله مذکور تأکید می‌نمایند، هرچند که جهانی شدن توجه بیشتری به این موارد دارد اما تفاوت دو وضعیت زیاد نمی‌باشد لذا در مواجهه دو وضعیت مذکور احتمال به وجود آمدن چالش بسیار ضعیف می‌باشد. بنابراین برای مواجهه درست و منطقی و اثربخش پیشنهادهاتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- در بعد سیاست‌گذاری فرهنگی در مقوله‌ی حدود فرهنگی که در برگیرنده‌ی حفظ منافع و فرهنگ ملی در سیاست‌گذاری فرهنگی است، چالشی وجود ندارد. البته این مورد در وضعیت جهانی شدن هم مورد تأکید است هم این که همه جوامع آن را به جد مدنظر قرار می‌دهند. اما نکته‌ای که نیازمند توجه ویژه است تعیین حدود و خصائص فرهنگ ملی و تعریف دقیق منافع ملی می‌باشد به نحوی که جای هرگونه ابهام یا تعبیر و تفسیر در مورد آن وجود نداشته باشد، لذا سیاست‌گذاران فرهنگی و مراجع تصمیم‌گیری بایستی اقدامات مقتضی را در این خصوص قبل از بروز هرگونه مشکلی در دستور کار خود قرار دهند.

- در مورد ویژگی‌های سیاست‌گذاری که مواردی از قبیل در برگیرندگی اختلاط و تلفیق به جای تأکید بر فرهنگ ملی و محلی، کاهش حساسیت‌ها و تفاوت‌های ملی، عدم ایجاد وحدت نمادی و کنترل فرهنگ، تجاری شدن فعالیت‌های فرهنگی و همگونی فرهنگی در سیاست‌گذاری فرهنگی را شامل می‌شود چالش به وجود خواهد آمد. لذا سیاست‌گذاران فرهنگی جامعه بایستی ضمن حفظ مبانی و اصول دقیق حوزه‌ی فرهنگ ملی، شایسته است فعالیت‌ها و برنامه‌ها را به شیوه‌ای سامان‌دهی نمایند که در تعاملات با سایر فرهنگ‌ها دچار انزوا نگردند.

■ منابع:

- افتخاری، ا و کمالی، ع. (۱۳۷۷). رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات.
- افتخاری، ا. (۱۳۸۰). بررسی چهره دوم جهانی شدن، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تراسبی. (۱۳۷۹). اقتصاد و فرهنگ. ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر آن خرم، م. (۱۳۷۸). هویت، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات حیان.
- داوری اردکانی، ر. (۱۳۷۹). تبادل فرهنگی و فرهنگ جهانی غربی، درباره غرب، تهران: انتشارات هرمس.
- دهشیری. (۱۳۷۹). جهانی شدن و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۷۲-۷۳.
- روح الامینی، م. (۱۳۷۲). زمینه‌ی فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات عطار.
- سازمان مدارک فرهنگی جمهوری اسلامی. (۱۳۷۳). فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- فیاض، م. (۱۳۷۲). درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب، مرکز مطالعات اسلامی، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کانکلینی، ن. (۱۳۷۹). گزینه‌های سیاست فرهنگی در عرصه جهانی شدن. ترجمه اسلامی، تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو.
- گلشنی، م و غلامی، ر. (۱۳۸۷). گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محبی، ع. (۱۳۸۶). سیاست‌گذاری فرهنگی. سایت موسسه امام هادی (ع). به نشانی <http://www.imamhadi.com>.

محسنی، م. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی. تهران: انتشارات دیدار.

محسنی، م. (۱۳۸۶). بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

معید فر، س. (۱۳۸۶). مسائل جامعه‌شناسی ایران، همدان: انتشارات نور علم.

نش، ک. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

نش، ک. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

نصیری، ب. (۱۳۸۸). جهانی شدن رسانه‌ها و چالش سیاست‌گذاری رسانه‌های ملی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

وحید، م. (۱۳۸۱). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

Barker, C (2003). Cultural Studies: Theory and Practice. Amazon.com. Gift-wrap available.

Bartelson, J (2000). Three Concepts of Globalization. International Sociology, Vol. 15, No. 2, pp. 180-196, Away Our Futures. London: Vintage.

Cohen, R & Kenedy, P (2005). Global culture, London, Routledge.

Fromm, E (1974). The revolution of hope: toward a humanized technology. Harper & Row.

The challenges facing culture and cultural policy in the era of globalization

ali rashidpour

Abstract

This study aimed to identify cultural challenges confronting the world in the field of culture and design have been completed. Descriptive study, a survey was conducted, First, a complete and detailed review of literature and research conducted in libraries, The fundamental challenge of globalization in the field of culture at 2 pm, 5 components and 19 indicators were developed in the form of a questionnaire. The content validity of the questionnaire was evaluated by the professors and specialists And its reliability Cronbach's alpha was calculated at a rate of 94/0 And then coordination with the Research Council of the National Center for Globalization between researchers and experts related to the field of culture and globalization were distributed to 22 students. The data collected by statistics averages and T test requirements were analyzed. The results indicate that both the following 5 factors and 19 items (indicators) discussed the current situation in the Islamic Republic of Iran and on the basis of features and characteristics of globalization are important And the total amount of importance they are above average. T test results show that components of the 5 components of the cultural status ($p = 0/000$) and features cultural policy ($p = 0/009$) showed a significant difference And most likely there will be challenges And as regards the concept of culture ($p = 0/286$) and cultural policy ($p = 0/367$) and some policymakers ($p = 0/571$) do not show a significant difference.

Keywords: globalization, culture, cultural policy, exchange and cultural invasion